



گروه اصلاح قانون ایران - مجمع تشخیص و مستشارین

بنام خدا

نمایندگان فهیم و فکور مجلس شورای اسلامی

باسلام و تهیات

همانگونه که مستحضرید مقام عظمای ولایت و رهبری با همتی افزون پرچم مبارزه با مفسد را برافراشته اند و بر مایه‌پروان ایشانست که به تاسی از ایشان این مهم را تمکین کنیم .

در این راستا کارگروه اصلاح قانون اتاق بازرگانی ایران که تماما از معمرین و پیشکسوت های اتاق بازرگانی بوده و به وضوح در جریان کلیه اتفاقات و جریات جاری اتاق میباشیم یکی از گلوگاههای مهم و سیاه چاله های ژرف فساد اقتصادی کشور را اتاق بازرگانی دانسته و بنا به دلائل زیر طرحی شفاف ساز ، نظارت محور و ضدفساد را تهیه و از طریق تنی چند از نمایندگان محترم مجلس با محوریت جناب آقای دکتر جعفرقادی نماینده ولایتمدار مردم شریف شیراز و زرقان به آن مجلس محترم تقدیم داشته ایم .

اصلی ترین دلائل کارگروه اساسی ترین درخواست ها از شما نمایندگان انقلابی مجلس یازدهم توجه به موارد ذیل میباشد :

به چه دلیل قانون اتاق نیاز به اصلاح دارد؟

سازو کارهای موجود در قانون فعلی بهیچوجه اداره کننده اتاقی که با حجم فزاینده ای از مطالبات اعضایش روبروست و وجوه زیادی هم از آنها گرفته و درست هزینه نکرده است، نیست.

امروز شاهدیم که اتاق بازرگانی علیرغم عضویت در بیش از ۷۰ نهاد حاکمیتی و بیش از ۲۰۰ کرسی ، منصب ، اتاق مشترک ، انجمن تخصصی و تشکل های صنفی وابسته و حاکمیتی از شورای پول و اعتبار تا کمیته های موقت حضور دارد و حتی در مواردی (همچون شورای پول و اعتبار) حق رأی نیز دارد. هیچ اقدام جدی در حل مشکلات جمعی و حتی موردی اعضایش انجام نداده و نمی دهد و صرفا حضور اتاق در این نهادهای حاکمیتی و این گستره وسیع اقتصادی کشور که اختیارات و امکانات ویژهی مختلفی را به همراه دارد. اولین تأثیر عضویت در این نهادها ایجاد رانت اطلاعاتی برای اعضای خاصی از حلقه نورچشمی های اتاق بازرگانی است.

لازم به ذکر است منابع درآمدی اتاق بازرگانی عبارتند از سه درهزار درآمدشمول مالیات دارندگان کارت بازرگانی به استناد ماده واحده قانون نحوه تامین هزینه های مصوب در سال ۱۳۷۲ و ماده ۶۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴ و یک درهزار رقم فروش کالا و خدمات اعضا را به استناد ماده ۷۷ قانون ۵ ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ طبق قانونی که در سال ۶۸ برای اتاق بازرگانی و نهایتا در قانون برنامه ششم توسعه مقرر شد در کنار رقم سه درهزار مالیات ، مبلغ چهار درهزار سود فروش بنگاهها به عنوان پرداختی اعضا لحاظ شود که این مبلغ عظیم و حجیم بدون هرگونه نظارت و کنترلی و تماما جز اختیارات دولت و منصوبین دولتی هزینه میگردد و شما نمایندگان محترم قضاوت بفرمائید با درآمد صدها میلیارد تومانی در سال چه مفسده هائی قابل انجام میباشد .



وزارت امور اقتصادی و دارایی - مجمع - مجلس و شورای عالی

حیرت آور آنکه اگر درآمد های مشمول وصول قبل از تخفیف های خاص را در نظر بگیریم اعداد و مبالغ دریافتی محیر القول میشود به عنوان مثال فقط میزان صادرات ۵ شرکت صادراتی برتر کشور (که قاعدتا باید عضو اتاق بازرگانی باشند) به بیش از ۱۰ میلیارد دلار می رسد. حال اگر از این اعضا فقط رقم یک در هزار رقم فروش کالا و خدمات گرفته شود و از سه در هزار درآمد مشمول مالیات آنها صرف نظر شود! رقمی بیش از ۸ / ۱۰ میلیون دلار سهم اتاق بازرگانی کشور می شود.

درد آور تر آنکه دیدن یک وزیر پرمشغله دولت راحت تر از دیدار با رئیس اتاق ایران است، لذا این اتاق که متاثر از قانون فعلی خود است، به شدت بروکرات، چند لایه، غیر چابک و مهمتر از همه، بعلت حضور بیش از پنجاه معاون و مدیر ارشد اکثر بازنشسته دولتی غیر پاسخگو و غیر شفاف است.

این اتاق یاد گرفته که با لابیگری قوی متاثر از داشتن صندلی مدیرانش در نهادهای دولتی و غیردولتی، پاسخگوئی به نهادهای مسئول را هم مسکوت بگذارد.

علیرغم مسئولیت اساسی اش در صدور کارتهای موسوم به اجاره ای، از هرگونه پاسخگوئی به نهادهای مسئول مصون مانده، چرا که در رابطه با مسئولین دولتی، کار را با لابیگری مسکوت گذاشته است.

از این اتاق و قانون فعلی اش یک نکته اضافه کنیم؛ قانون اتاقی که مدیرانش ماحصل انتخاباتی هستند که عوامل ناظر بر آن را خودشان برمی گزینند و شورای عالی نظارتش هم کمترین نظارتی بر عملکرد آن بخصوص در بخش درآمد و هزینه هایش ندارند و سه عضو از ۷ عضو آن هم بر خلاف اصل تعارض منافع، رئیس و نواب رئیس اتاق ایران اند و صدها میلیارد تومان وجه هم در اختیار دارد، باید حتماً مورد بازنگری قرار گیرد. حجم گسترده ی لابیگری اتاق در همین چند وقتی که طرح اصلاح قانونش به مجلس محترم داده شده، برای توقف کار، نشان از نگرانی مدیرانش از اتفاقات نظارتی خوبی دارد که در طرح اصلاحیه پیش بینی شده است.

اتاق باید همچنان در بسته بماند چون باز شدن باب نظارت موثر در آن به سود مدیران سابق و لاحقش نیست. هرچه هم در باب اقدام به تدوین قانون جدید توسط خود اتاقی ها گفته می شود صرفاً به جهت خریدن وقت و عدم انجام تغییر است.

از سال ۱۳۹۱، اتاق از همه نوع مجلسی اعم از اصولگرا و اصلاح طلب در ارائه طرح اصلاحی ترسیده است و معلوم نیست که کدام مجلس امن و ایمن باید بر سرکار بیاید که اتاق ایران او را مناسب تصویب قانون خود بداند. هم اکنون نیز با این استدلال که چون احتمال باب طبع بودن قانون مصوب مجلس جاری ضعیف است، نهایت تلاش را برای از دستور بررسی خارج کردن طرح اصلاحی نمایندگان محترم مردم در مجلس به کار بسته اند.

تاکنون دو اقدام درونی اتاق ایران برای اصلاح قانون به دلیل ترس از حضور موثر نمایندگان مردم در اصلاح قانون اتاق، متوقف و مَهر بایگانی را کد خورده است. لذا از نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی انتظار داریم که این فقره را که با کوشش خود مجلس انجام شده را متوقف نفرمایند.



مرکز پژوهش‌های اقتصادی - م.پ.ا. - معاونت اقتصادی و بازرگانی

چه تغییرات مهمی در قانون اتاق بازرگانی داده شده که مدیران ارشد از آن احساس خطر کرده و سعی فراوانی در لابی

برای توقف آن دارند؟

در قانون فعلی، اتاق، موسسه حقوقی غیرانتفاعی تعریف شده است و برداشت مدیران اتاق بازرگانی از آن به اشتباه، یک نهاد خصوصی مانند یک شرکت سهامی خاص است؛ حال آن که اطلاق عنوان غیرانتفاعی بر اتاق، بیان کننده ماهیت حقوقی آن نیست کما این که همین عنوان غیرانتفاعی را در ماده ۴ قانون اساسنامه بنیاد مستضعفان و در مقدمه ی قانون اساسنامه کمیته امداد امام و در ماده یک از قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر ایران و تعداد زیادی نهاد عمومی غیردولتی می بینیم.

قید واژه غیرانتفاعی تنها مبین آن است که سازمان واجد این عنوان، اجازه پرداخت سود را ندارد و بایستی وجوه تحصیل کرده را خرج فعالیتهای سازمان کند و اتفاقاً ذکر آن در قانون فعلی اتاق بازرگانی قرینه ی محکمی بر خصوصی نبودن ماهیت اتاق است. متأسفانه مدیران اتاق از قید عنوان غیرانتفاعی در ماده ۲ قانون فعلی استفاده از خصوصی بودن می کنند حال آن که عنوان یک شرکت خصوصی بهیچ عنوان قابل اطلاق به اتاق بازرگانی نیست.

صرفنظر از هر تعریف یا استنباطی باید جایگاه اتاق را در تعاریف متقن حقوقی جستجو کنیم؛ اول این که به عنوان یک امر بدیهی که البته در ماده ۲ قانون فعلی اتاق هم ذکر شده، اتاق شخصیتی حقوقی دارد. سوال این است که شاخصه های اتاق، او را ذیل حقوق خصوصی قرار می دهد یا ذیل حقوق عمومی؟

اتاق شخصی حقوقی در حقوق خصوصی است یا شخصی حقوقی در حقوق عمومی؟

اتاق به موجب قانون خاص تاسیس شده-صاحبان سرمایه یا مالکان دارائی هایش اشخاص خاص نیستند(شرکت سهامی خاص نیست)-دارای ماموریت عمومی است و کسب سود و درآمد و حفاظت از حقوق و منافع شخصی ندارد- تحت مدیریت و کنترل شخص خصوصی نیست و مدیرانش را یک مجمع خصوصی تعیین نمی کنند-منابع مالی اتاق بازرگانی وفق قانون مصوب مجلس تعریف شده است(بسیار فراتر و بیشتر از حق عضویت)-معاف از مالیات بر عملکرد است.

آیا دارنده یک چنین مشخصاتی را باید ذیل حقوق خصوصی تعریف کرد یا حقوق عمومی؟

ماهیت اتاق در انطباق کامل با تعریف مندرج در ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوریست ولی چون مدیران اتاق قائل به این تعریف نیستند لاجرم نیاز به تاکید در طرح اصلاحیه وجود داشت. اتاق ایران به چند دلیل مشخص، این تعریف را نمی پذیرد: الف) مشمول نظارتهای دوره ای سازمان بازرسی کل کشور می شود ب) منع به کارگیری بازنشستگان که تعداد زیادی از آنها در اتاق مشغول به کارند ج) منع بکارگیری شاغلین در دیگر سازمانها چ) منع پرداخت حقوقهای نجومی.

اتاق بدلیل عدم تمایل به انجام ۴ مورد بالا، مایل نیست که نهاد عمومی غیردولتی باشد و از مجلس انقلابی انتظار است که برای

قانونمند کردن اتاق، بر تعریف نهاد عمومی غیردولتی بودن اتاق صحه بگذارد.



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - مجمع عالی تخصصی ایران

بعضی از عوامل اتاق ایران برای ترساندن اعضای اتاق عنوان می کنند که با اطلاق "نهاد عمومی غیردولتی"، اتاق به تسخیر دولت در می آید در حالی که خود عنوان به روشنی موید غیردولتی بودن نهاد یا سازمان مورد خطاب است.

نکته ی دیگری که در ایجاد شبهه به کار می برند آن است که اطلاق نهاد عمومی غیردولتی به موجب ماده ۵ قانون محاسبات عمومی و قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی است حال آن که با تصویب ماده ۳ و نیز ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اصولاً لزوم تصویب فهرست منتفی است.

۲- اتاق ایران علیرغم این که بعضی از اتاقهای شهرستانهایش برای خودشان ماموریت استانی قائل شده و به زعم خودشان استان را نمایندگی کرده و حتی بعضاً تابلوی سر در خود را هم به استانی تغییر داده اند، ظاهراً با تجدید و تغییر ساختار موجود در طرح اصلاحیه که اتاق را در سه سطح ملی، استانی و شهرستانی دیده، مشکل دارد.

متأسفانه اتاق ایران در سالهای گذشته و حتی هم اکنون با تشکیل اتاقهای شهرستانی جدید مخالفت می کند و این برخلاف وظایف و ماموریتهایش در پذیرش عضویت فراگیر است.

اتاق بازرگانی با همه ی کیا و بیائی که دارد، امروز حداکثر ۵۰ هزار عضو در سراسر کشور دارد و این تعداد قلیل اصلاً در انطباق با وظایف و ماموریت ها و ثروت هایش نیست.

اتاق هیچ اقدام موثری در عضوگیری از کشاورزان انجام نداده حال آن که عنوان کشاورزی را هم یدک می کشد. آیا ساختار محدود و بسته فعلی منطبق با فی المثل یک میلیون عضویت که اتاق باید به آن برسد؟

۳- تغییر مهم دیگری که اختصاصاً محل چالش اتاق بازرگانی تهران است، تعریف اقامتگاه قانونی اعضای اتاق منطبق با ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی است. نمایندگان محترم غیر تهرانی مجلس شورای اسلامی به این نکته توجه داشته باشند که بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ و متوسط مستقر در شهر و استان آنها به صرف وقوع دفتر مرکزیشان در تهران، کارت بازرگانی شان را از اتاق بازرگانی تهران گرفته اند در حالی که معضلات بیمه ای و مالیاتی و کارگری آنها متوجه اتاقهای بازرگانی شهرستانها و نیز نمایندگان محترم آن حوزه هاست.

آیا این عدالت است که کارت بازرگانی این واحدهای تولیدی و مزایای عظیم و حجیم مالی آن متعلق به اتاق بازرگانی تهران باشد و معضلاتش متعلق به اتاق بازرگانی و نهادهای دولتی شهرستانها؟

توجه نمایندگان محترم را به این نکته مهم جلب می کنیم که ریشه مخالفت با طرح اصلاحی قانون اتاق، عموماً در مکنوناتی است که چون بیان آنها برای مخالفین سودی ندارد، لاجرم باید جور دیگری بیان شده و حتی وارونه جلوه داده شود تا مقصود، حاصل آید.

۴- اتاق بازرگانی ایران را شورایعالی نظارتی با ترکیب وزرای صمت- کشاورزی- اقتصاد و دارائی و رئیس سازمان استاندارد و رئیس و دو نایب رئیس اتاق ایران به عنوان عالی ترین رکن آن باید نظارت کنند ولی عملاً نظارتی وجود ندارد و با حضور سه عضو



پژوهش‌های حقوقی و قضایی - مجمع عالی قضایی ایران

هیات رئیسه اتاق ایران، امکان نظارتی هم وجود ندارد چون در یک جمع محدودی که سالی حداکثر ۴ جلسه دارند، بیشتر فضا، دورهمی دوستانه است تا نظارت واقعی و موثر. **ای کاش قانونگذار در زمان تدوین قانون اتاق بازرگانی، نظارت بر رفتار و عملکرد اتاق را، همپایه نظارت قانونی بر اتاقهای اصناف کشور و استانها، مذکور در قانون نظام صنفی بود.**

ضرورت تغییر سازمان و سامانه‌ی نظارت بر اتاق و فوریت آن انکار ناپذیر است و **طرح اصلاح قانون اتاق بر سر آن است تا نظارت بر اتاق را واقعی، ملموس و کاربردی کند؛ چیزی که تا به امروز نبوده است.**

با آن که قانون فعلی اتاق، آن نهاد را مشاور سه قوه معرفی می‌کند، عملاً نشانی از نمایندگان محترم مجلس و نیز قوه قضائیه در اتاق وجود ندارد. از جمله تغییرات در ساختار شورایی نظارت بر اتاق، مشارکت دو قوه‌ی مقننه و قضائیه در آن است. قطعاً اتاقی که تا به امروز فعال مایشاء بوده و فارغ از نظارت موثر، تمام سعی خود را برای گریز از نظارت به عمل خواهد آورد. متأسفانه هیاتهای نظارت بر انتخابات اتاق هم وفق قانون جاری عملاً منصوب رئیس اتاق ایران و روسای اتاقهای شهرستانهاست. **این که همواره لیست انتخاباتی روسای اتاقها برنده‌ی انتخابات اتاق بازرگانی هستند، حاصل همین نظارتهای مملو از تعارض منافع است.**

طرح اصلاح قانون اتاق، این سازوکار پر از ایراد را هم تغییر داده و نظارت بر انتخابات اتاقها را از سیطره روسای اتاقها خارج و کاملاً مستقل نموده است. یکی از دلایل خشم اتاق ایران و ایضاً شهرستانها هم همین تغییر است. اتاق ایران باید بپذیرد که دوران اداره اتاق به شیوه تیولداری سپری شده است و باید طرحی نو در انداخت. ۵- از دیگر نکات مثبت طرح اصلاح قانون اتاق بازرگانی، تغییر شرایط کاندیداتوری در انتخابات اتاقها به گونه ایست که فعالان واقعی اقتصادی با احراز شرایط درست و دقیق داوطلب شوند نه کسانی که فعالیت اقتصادی و صنفی نداشته و لاجرم در کی هم از مشکلات و معضلات فضای کسب و کار ندارند. به همین قیاس شرایط رای دهندگان در انتخابات اتاق بازرگانی به گونه ای تغییر یافته که شائبه‌ی رای های فله ای و اجاره ای هم به صفر برسد.

متأسفانه در سالهای اخیر انتخابات بسیاری از اتاقهای شهرستانها متأثر از حضور کارتهای اجاره ای فله ای به انحراف و تشمت کشیده شد و ضروری بود که این وضعیت نابهنجار خاتمه یابد. قطعاً جریانات متأثر از این دو تغییر مهم که خود را در خطر می بینند باید مقاومت کنند و در این چند وقت هم از هر کوششی فروگذار نکرده اند.

۶- به جهت جلوگیری از تعارض منافع، در طرح تقدیمی، عضویت شاغلین در دستگاههای دولتی در اتاق را ممنوع کرده است.

۷- وفق قانون فعلی اتاق، بیست نماینده دولت همزمان، هم در هیات نمایندگان اتاق تهران و هم اتاق ایران عضویت دارند. طرح اصلاح قانون اتاق، این ۲۰ نفر را به ۱۲ نفر کاهش داده که ۷ نفر از آنها نماینده دولت و ۵ نفر هم نماینده قوه قضائیه اند و بدلیل



گروه اصلاح قانون اتاق بازرگانی - صنایع - معادن و کشاورزی ایران

مغایرت وضع موجود با اصل تعارض منافع، به حضور این نمایندگان در اتاق تهران نیز پایان داد. اصولاً اگر نمایندگان دولت بایستی کارکردی ملی داشته باشند، حضور آنها در اتاق بازرگانی تهران به عنوان یک اتاق شهرستان، جز شائبه‌ی لابی‌های کارگشای شخصی و یک حق ممتازه برای اتاق تهران به عنوان یک اتاق شهرستان بدنبال نداشت و ضروری بود که به آن حضور پایان داده شود و طرح اصلاح قانون اتاق، این مورد را هم اصلاح کرد.

هرچند دلایل متعدد و مکرر و حجت‌های غالب دیگری وجود داشته که ما را بر تهیه اصلاح قانون اتاق بازرگانی مقید کرد و یقیناً ما بر این باوریم که اگر شما بزرگواران را با این تنگناها بیشتر آشناسازیم و تعارض‌هایی را که باعث وجود شرائطی دور از یک پایگاه اقتصادی مهم کشور ایجاد شده و شئونات بازرگانان و تجار دارنده کارت بازرگانی بعنوان صاحبان اصلی اتاق‌های بازرگانی را مخدوش و استقلال آنها را خدشه دار و با اهداف آن مجلس انقلابی در مورد تشکلهای بخش خصوصی در تعارض میباشد را با شفافیت تمام به استحضارتان رسانده و استدعا کنیم با تغییر و اصلاح قانون اتاق بازرگانی ایران، شرائط را برای ورود شایستگان و سرآمدان کارآزموده بخش خصوصی به اتاق بازرگانی فراهم نمائید و حمایت کنید تا با افزایش دانستگی، چالاکی، کارآمدی، بالا بردن جایگاه اتاق بازرگانی را به همراه خواهد داشت و باعث خواهید شد که جایگاههای اتاقها را اعتبار و شئونات هیئت نمایندگان را ارتقاء و اعتبار اجتماعی آنان را احیاء و ارزش ببخشید و اتاق‌ها را از این وضع فلاکت باری که گریبانگیر آن شده است نجات داده و رهائی خواهید بخشید

و من الله توفیق

کارگروه اصلاح قانون اتاق بازرگانی. صنایع، معادن و کشاورزی ایران

۹۹/۱۱/۱۷



گروه اصلاح قانون اتاق بازرگانی - صنایع - معادن و کشاورزی ایران